

پژوهشی نو

در

اسناد نهج البلاغه

دکتر وحید سبزیان پور

دانشیار دانشگاه اراک

فرزانه فتاحیان



۱۳۹۲

سروشنامه: سبزیان پور، وحید

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه / نویسندگان: وحید

سبزیان پور، فرزانه فتحیان

مشخصات نشر: تهران: یار دانش، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری: ۱۸۷ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۱۲-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه: ص ۱۵۱-۱۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج

البلاغه مآخذ

شناسه افزوده: فتحیان، فرزانه

رده بندی کنگره: ۴۳۹۲ پ ۲ س / ۳۸/۰۸۵ BP

رده بندی دیویی: ۹۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۲۶۴۹

عنوان: پژوهشی نو در اسناد نهج البلاغه

تألیف: دکتر وحید سبزیان پور، فرزانه فتحیان

انتشارات: یار دانش

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۶۲-۱۲-۵

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شمارگان: ۱۰۰

آدرس: تهران، پاسداران، ساقدوش، پستان نهم، بلاک ۳۷، زنگ یک غربی.

تلفن: ۲۲۵۶۷۲۵۸ و ۰۹۳۹۴۳۵۱۲۳۳

فهرست

أ	مقدمه
۱	خطبه‌ها
۴۵	نامه‌ها
۶۱	حکمت‌ها
۱۴۳	حدیث غریب
۱۴۵	توضیحات
۱۵۱	متابع

مقدمه دکتر سید محمد مهدی جعفری*

امیر بیان در دوران زندگی پربار خویش و - از آن بیشتر - پس از مرگ، به سخنوری و شیوایی در گفتار و هماهنگی سخن با کردار، حکمت‌آموز بودن و خردانگیز بودن، فراگاهی و قراجایی و فراآیینی و همه انسانی شناخته شده است. دوست و دشمن بدین ویژگی‌ها خستو بوده‌اند و هستند. شیفتگی ادیبان و دانشمندان و اندیشه‌ورزان و بارسلایان و عارفان و مدیران و سیاست‌مدران و پروایشه‌گان و حقیقت‌جویان بدین سخنان به اندازه‌ای بود که نویسندگان، کتاب‌های خود را به فراخور شایستگی یا آن می‌آراستند و گویندگان سخن خویش را با بهره بردن از گل‌واژه‌هایش باارزش می‌ساختند تا اینکه گوهرشناسی بزرگ و گوینده‌ای سترگ، در روزگاری شایسته و دارای ویژگی‌هایی بایسته، گزیده‌ی گوهرهای گران‌بهای سخنش را در رشته‌ی زیبا و بلایی «هج البلاغه» به نظم کشید و افسری گوهرنشان بر تارک ادبیات و فرهنگ جهان روشناید. از آن روز تاکنون همه سخن‌شناسان و شیفته‌گان حقیقت، سیراب کردن روان تشنه‌ی

* در این مقدمه، جز حذف نوازش‌های محبت‌آمیز استاد، نسبت به نویسنده، با حفظ امانت، بدون دخل و

خود را از زلال زندگی بخش آن به سوی کوثرش روانه‌اند و گرفتار شدگان در شبستان تیره‌ی زندگی حیوانی برآمدن سپیده‌دم انسانی‌اش را چشم امید بسته‌اند. آزاداندیشان و خردورزان با ترازوی خرد و دریافت ناوابسته به آیین و گروه و اندیشه‌های بسته، بی‌هیچ تردیدی سخنان گزیده شده در این کتاب را از امیر بیان و خداوند فصاحت و بلاغت می‌دانستند و چنان‌که باید از آن بهره می‌بردند. تا اینکه دویست و هفتاد سال پس از پرتوافشانی و گرمابخشی این خورشید جهان‌تاب تذکره‌نویسی از قبیله ظاهرینسان در کتاب خود «وفیات الاعیان» (نگاشته در سال ۶۷۲ هـ) با بفر را تردید درباره مؤلف کتاب و درستی نسبت سخنان گزیده در آن به امیرالمؤمنین امام علی (ع)، در زمین ذهن‌ها یاشید و فضای روشن باورها را به تیرگی کشانید و کتاب را از گردآورده‌های سید مرتضی، برادر بزرگ سید رضی دانست و در جلد سوم کتاب، ذیل حوادث سال ۴۳۶ که سال درگذشت سید مرتضی است، می‌نویسد: «در باره‌ی کتاب نهج البلاغه از کلمات امام علی بن ابی طالب، - رضی الله عنه - اختلاف پیدا کرده‌اند که آیا او مؤلف آن کتاب است یا برادرش رضی و نیز گفته‌اند: این کتاب از سخنان علی (ع) نیست، بلکه برادرش رضی گردآورنده‌ی آن است، سازنده آن کلمات هم هست» ... از آن پس برخی مورخان و تذکره‌نویسان و کسانی که درباره‌ی بزرگان و مورخان جدید و معاصر و نیز کسانی مانند احمد امین مصری و خیرالدین زرکلی، جرجی زیدان و شوقی ضیف و از خاورشناسان، بروکلمان و کلمان هوار نیز همان

سخن این خلکان را بازگو کرده‌اند، لیکن دلایلی ابراز داشته، با القای تردید درباره‌ی درستی انتساب سخنان گردآوری شده در نهج البلاغه به امیرالمؤمنین امام علی (ع) از روزگار کهن و تا زمان ما در حال حاضر، ده شبهه مطرح کرده‌اند که همگی پاسخ داده شده و این نوشتار کوتاه را شاید که به آن پاسخ‌ها اشاره کند.

شایان یادآوری است که اندیشه‌ی تردید در درستی همه آنچه در نهج البلاغه گردآوری شده، پیش از تألیف کتاب «وفیات الأعیان» به وسیله‌ی ابن خلکان در سال ۶۷۲ هـ نیز مطرح شده است؛ زیرا ابن ابی الحدید (متوفی به سال ۶۵۶ هـ): در پاسخ به شبهات، بی‌آنکه از کسی یا نوع شبهه‌ای نام ببرد، به سبک‌شناسی دست می‌بازد و می‌گوید: «شما که مکرر همه مطالبی که در نهج البلاغه به امام علی نسبت داده شده نیستید، بلکه مقداری از آن را مشکوک یا مردود می‌دانید. پس مطالب مشکوک در نظر خودتان را با مطالب صحیح النسبه بسنجید. اگر تفاوتی در میان اسلوب [لفظی و معنایی] آنها با هم دیدید نظر شما درست است وگرنه باید اعتراف کنید که همه آنها یک‌دست و از امام علی (ع) است.» عباس محمود عقاد نویسنده‌ی بزرگ مصری نیز می‌نویسد: «در کتاب نهج البلاغه نور آیات توحید و حکمت الهی چنان درخشان و پرتوافکن است که بررسی و تحقیق هر شخص سرگرم به عقاید و اصول خداشناسی و حکمت توحید را دربر می‌گیرد ... دیوان او که به نهج البلاغه موسوم است، شایسته‌ترین دیوان در میان کتاب‌های

عربی بدین نام گذاری است. بودن برخی مطالب مشکوک در آن، مانع اشتغال آن بر بخش صحیح النسبة آنها به وی و صحیح الدلالة به اسلوب او نمی شود؛ چه بسا امکان دارد در آن کتاب برای قانع کردن، دلایلی بس نیرومندتر از سندهای تاریخی باشند؛ زیرا مهر شخصیت علوی از پشت سطرها و از میان حروف پدیدار است و چون خوب دقت کنی و گوش فراداری، صدای امام (ع) را از فراسوی آنها می شنوی نه صدای دیگری را و بر تو سنگین می آید که میان صاحب تاریخ و صاحب سخن غرابتی به نظرت برسد.

همین شبهه ها بود که در دوران معاصر عده ای را برانگیخت تا کتاب ها و مقاله هایی درباره ی منابع و اسناد نهج البلاغه بنویسند و درستی نسبت گفتارها و نوشتارهای گردآوری شده در نهج البلاغه به امیرالمؤمنین امام علی (ع) را ثابت کنند. البته باید توجه داشت که این تلاش ها، بیش و پیش از آنکه اثبات درستی اسناد مطالب به امام باشد، اثبات درستی و امانت داری سید رضی و پاک بودن او از ساختن سخنانی از خودش یا گوینده ی دیگری و نسبت دادن آنها به امیرالمؤمنین است. اگرچه امکان دارد ناچیزی از مطالب گزیده شده در نهج البلاغه از امیرالمؤمنین (ع) نباشد. ولی این موضوع را ناشی از اشتباه سید رضی به شمار می آوریم نه قصد او برای جعل و وضع، این اشتباه را همه محدثان بزرگ، به عکس و شرایط مختلف، مرتکب شده اند.

در سال های نخستین دهه ی پنجاه به عنوان مترجم متون جغرافیایی عربی قدیم، در فرهنگستان زبان ایران مشغول به کار بودم و در ضمن پس از سال ها دوری از

تحصیل، در همان سال‌ها در مقطع فوق‌لیسانس زبان عربی دانشگاه تهران هم تحصیل می‌کردم و درصدد انتخاب موضوعی برای پایان‌نامه بودم که شنیدم تنی چند از استادان زبان‌شناسی در فرهنگستان، در حال گفتگو از متون ادبی، با تحقیر و تمسخر، نهج البلاغه را ساخته و پرداخته سید رضی دانسته‌اند. ناگهان درخشه‌ای در اندیشه‌ام پرتوافکن شد و بر آن شدم که پایان‌نامه‌ام را - بی‌هیچ پیش‌داوری و گرایش مذهبی - در بررسی اسناد و مدارک نهج البلاغه بتویسم. در آن هنگام تنها سه منبع در این موضوع تألیف شده بود: «مصادر نهج البلاغه و اسانیده» از سید عبدالزهره حسینی خطیب که تا آن روزها همه جلدهای آن چاپ و منتشر نشده بود و در چاپ دوم و سپس از کامل شدن جلدهای چهارگانه‌ی آن دریافتم که چاپ اول اشتباهاتی در نشانی منابع و گاه نویسنده آنها دارد. ۲- «استناد نهج البلاغه» از استاد امین‌الزعلی خان عرشی هندی که به وسیله عزیزالله عطاردی، به زبان عربی، در ایران منتشر شده بود و منابع تعداد کمی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار را نشان داده بود. ۳- «نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه» از محمدباقر محمودی که تنها ۳ جلد آن چاپ شده بود و آن هم دارای اغلاط چاپی و غیرچاپی فراوان بود. بعدها جلدهای دیگرش تا جلد نهم، به همان شکل چاپ و منتشر شد. این مجموعه همه‌ی سخنان امیرالمؤمنین (ع) را به صورت خطبه‌ها، نامه‌ها، دعاها و کلمات قصار هر یک در یک جلد یا جلدهای جداگانه‌ای گرد آوردی کرده و پیش از هر خطبه یا مطلب دیگری، اسناد

و منابع آن‌ها را نقل و اختلاف در روایات را در خطبه‌ی دیگری با شماره دیگری مشخص کرده است. در آن روزگار نه «رایانه‌ای وجود داشت و نه سی دی و نه دی وی دی» ای که بتوان در یافتن مطالب، با فشار دادن یک کلید و با جستجوی مختصر و تلاشی کم، از آن‌ها یاری جست. تنها منابع مکتوب بود و کتابخانه‌های دور از دمترس و این کمترین با توکل به خدای حکیم و استمداد از امیرالمؤمنین (ع) با استفاده از ۳ منبع یاد شده و بهره جستن از کتابخانه‌ی فرهنگستان و کتاب‌فروشی‌های عربی کوچی حاج نایب، خیابان ناصرخسرو و کتابخانه (کتاب‌فروشی) اسدی میدان بهارستان کار خود را شروع کردم و در زمانی کمتر از دو نیم‌سال پایان‌نامه‌ای با عنوان «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه» که در سطح یک رساله‌ی دکتری به شمار می‌رفت به پایان رساندم. دانشگاه تهران مرا دعوت کرد که در گروه زبان عربی نهج البلاغه آموزش دهم، لیکن ساواک صلاحیت مرا برای تدریس در دانشگاه تهران رد کرد و من در فرهنگستان زبان ایران به نام «پژوهشگر» استخدام شدم.

در سال بعد وارد دوره‌ی دکتری دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران رشته‌ی فرهنگ عربی و علوم قرآنی شدم و باز هم تصمیم گرفتم کار پژوهش در اسناد و مدارک نهج البلاغه را با تفصیل بیشتر و مطالب دیگر دنبال کنم، لیکن به عنوان پایان‌نامه‌ی دکتری پذیرفته نشد، اما به عنوان کاری مستقل بدان پرداختم و پس از حدود سی سال کار مستمر و پیوسته و با استفاده از منابع بیشتر، به نام «پرتوی از

نهج البلاغه» در پنج جلد منتشر شد. اگرچه این کار هم کامل نیست و هیچ کس نباید از کاری که انجام داده، به عنوان فصل الخطاب راضی باشد، لیکن در میان کارهای مشابه، کامل تر به نظر می رسد. البته اگر فرصتی و امکانی دست دهد، بر سر آنم که در تکمیل و تصحیح و تنقیح آن تجدید نظر کنم و کاری بهتر درباره ی اسناد و منابع نهج البلاغه به دستدارانش و به ویژه به دانشجویان ارجمندی که در این راه با تلاش و دلیستگی روانه اند، تقدیم کنم. در «پرتویی از نهج البلاغه» نخست به منابع و اسناد اهل سنت از کسانی که پیش از تألیف نهج البلاغه می زیسته اند، مراجعه شده است و اگر سخنی در آن منابع یافت نشده به منابع شیعی قبل از نهج البلاغه، به منابع سنی و شیعی هم زمان با تألیف نهج البلاغه و یا منابع بعد از نهج البلاغه و یا منابع بعد از نهج البلاغه که با گزارش سید رضی اختلاف دارند، رجوع شده است. برای مثال برای خطبه ی سوم نهج البلاغه به نسام «ششقیه» که علت نخستین و ریشه ای مخالفان با نهج البلاغه و شبهه کنندگان در نهج البلاغه است، منابع و اسناد چنین آمده است:

الف: منابع اهل سنت پیش از سید رضی: ابوعلی جبائی، ابوالقاسم بلخی کعبی، ابن عبدربه و طبرانی.

ب: منابع شیعی پیش از سید رضی: ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان بن قبة الرازی، شیخ صدوق، ابواحمد حسن بن عبدالله عسکری و ابوالهلال عسکری.

ج: منابع سنی و شیعه معاصر با سید ولی مستقل از نهج البلاغه: ابوبکر مردویه حافظ اصفهانی، قاضی عبدالجبار معتزلی، شیخ مفید و ابوسعید آبی.

د: منابع بعد از تألیف نهج البلاغه با روایتی مغایر با نهج البلاغه: شیخ طوسی، قطب راوندی ابومنصور طبرسی، ابن خشاب، سبط جوزی، ابن ابی الحدید، ابن میثم، علامه حلی و شیخ قطیفی. شیخ قطیفی این خطبه را در کتاب خود «اثبات الفرقه الناجیه» از جلد چهارم «العقد الفرید» تألیف «ابن عبدربه» نقل کرده است. این خطبه اکنون در نسخه‌ی چاپی العقد الفرید دیده نمی‌شود که احتمال دارد ویراستار و یا ناشر این کتاب به عللی، آن را در نسخه چاپی نیاورده است و گرنه امکان ندارد شیخ قطیفی از خود چنین نسبتی به ابن عبدربه داده باشد.

به هر حال اینک دکتر سبزیان‌پور تلاشی تازه و کاری نو برای تأیید و تکمیل و تصحیح تلاش‌های گذشته به پژوهش‌گران در این زمینه عرضه کرده است:

استاد سبزیان‌پور را نخستین بار در یکی از جلسات دفاع از پایان‌نامه‌های دانشگاه پیام نور تهران ملاقات کردم. موضوع پایان‌نامه و نام دانشجوی به یاد نیست. لیکن دانشجوی کارشناسی‌ارشد نهج البلاغه و معارف علوی دانشگاه پیام نور تهران بود و موضوع آن هم به نهج البلاغه ارتباط داشت. در آن جلسه استاد سبزیان‌پور اظهار کرد که کتاب «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه» تو را خواندم و از ایرادها و انتقادهایش به پایان‌نامه دریافتم که ایشان در نهج البلاغه مطالعات عمیقی دارد و صاحب‌نظر است. چند جلسه‌ی دیگر از دفاع‌ها نیز در خدمت ایشان بودم تا اینکه مرده‌ی تألیف این اثر را از خودشان شنیدم و از این دوست و همکار خود خواست کتاب را بخوانم و مقدمه‌ای بر آن بنویسم که اینک به جای

مقدمه، سرگذشت استنادنویسی خودم را، بی آنکه بخواهم، نگاشتم و اما درباره‌ی «پژوهشی در اسناد نهج البلاغه» کتاب را به دقت خواندم و بسیاری از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های آن را دیدم و با «پرتوی از نهج البلاغه» مقایسه کردم. حاصل این مطالعه این سخن نامبرده است: «در این پژوهش منابع ما فقط کتب اهل سنت است و به هیچ‌یک از کتب شیعه استناد نکرده‌ایم... و با تأمل در اسناد سخنان امام در کتاب‌هایی که به این منظور تألیف شده و بررسی منابع ادب عربی، به اسناد و مدارکی دست یافته‌ایم که صاحب‌نظران این امر برای اثبات اصالت سخنان امام در نهج البلاغه به آن اشاره نکرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌ایم که استناد به برخی از کتب اهل سنت نیازمند نقد و بازنگری است». سپس آن کتاب‌ها را معرفی و نقد کرده و به موارد قوت و ضعف و امتیازها و کمبودهای آنها اشاره کرده‌اند. از کارهای این حقیر هم به «پژوهشی در اسناد و مدارک نهج البلاغه» و «پرتوی از نهج البلاغه» اشاره‌ای دارند. لیکن گمان می‌کنم به «پژوهشی...» بیشتر مراجعه کرده‌اند که پایان‌نامه فوق‌لیسانس اینجانب در سال ۱۳۵۴ بوده و به «پرتوی...» کمتر و یا تنها به جلد نخست آن که تا خطبه‌ی ۸۲ را دربر دارد، مراجعه کرده‌اند؛ زیرا در جلد‌های پنج‌گانه پرتوی، من در کار قبلی و خام خود تجدیدنظر کرده، بسیاری از اشتباهات را تصحیح و برخی از منابع را که با واسطه مورد استفاده قرار داده بودم، به علت دسترسی پیدا کردن به آن منابع، به طور مستقیم از آنها بهره‌مند شدم و با دقت بیشتری به ذکر منابع و گاه اسناد

پرداختم. استاد در فهرست منابع خود «پرتوی از نهج البلاغه» را نیآورده‌اند، یعنی که از آن استفاده نکرده‌اند. دو منبع مهم استاد سبزیان‌پور برای اثبات اصالت نهج البلاغه، یکی «تذکره ابن حمدون ابوالمعالی محمد بن حسن» ادیب و شاعر بغدادی قرن ششم هجری است و دیگری ربیع الابرار «زمخشری» است که او هم متوفی به سال (۵۳۸هـ) و از علمای قرن ششم است.

البته چنان که پیش از این توضیح داده شد، اگر به منبعی که بعد از نهج البلاغه تألیف شده، ارجاع داده شود و روایت آن منبع با روایت نهج البلاغه اختلاف اندک یا بسیار داشته باشد، نشان از آن است که آن منبع از نهج البلاغه استفاده نکرده و این خود دلیل بر اصالت و درستی کار سید رضی است. لیکن از قرائن چنین برمی‌آید که ابن حمدون از نهج البلاغه استفاده کرده است و اینکه چند حدیث را به پیامبر اکرم (ص) یا دیگری نسبت می‌دهد، دلیل بر آن نیست که از نهج البلاغه استفاده نکرده است. امکان دارد او که اهل حدیث بوده، آن احادیث را در منابع دیگری، به جز نهج البلاغه، از آن بزرگواران دیده و به نظرش کار آنها از کار سید رضی بهتر بوده است.

نویسنده از کتاب «نثر الدر» ابوسعید آبی وزیر مجدالدوله دیلمی هم استفاده کرده که ایشان دانشمندی شیعی است و خلاف نظر استاد است که فقط از دانشمندان سنی استفاده کرده‌اند*.

* ضمن سپاس از باریک‌بینی و دقت نظر استاد جعفری، این نقیصه از پژوهش برطرف گردید.

نکته‌ی دیگر اینکه در شمارش خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات قصار از نسخه‌ی تصحیح دکتر صبحی الصالح استفاده کرده‌اند که ایشان در شمارش خطبه‌ها اشتباه دارند و خطبه‌ی ۵۲ و ۵۳ را که یک خطبه است، دو خطبه کرده، در نتیجه مجموع خطبه‌ها و کلام‌ها ۲۴۱ شده و حال آنکه ۲۴۰ خطبه است.

احادیث غریبی که نیاز به تفسیر دارند و در میان حکمت‌ها قرار گرفته ۹ حدیث است که اگر استاد به جلد پنجم پرتوی مراجعه می‌کردند، می‌دیدند که هر ۹ حدیث را سید رضی از کتاب غریب الحدیث ابو عبید قاسم بن سلام هروی سنّی برگرفته و در آن جا نگارنده بدین نکته اشاره کرده است.

حکمت‌ها هم در نسخه‌ی صبحی الصالح پراکنده و گاه تکراری و با تقطیع آمده و لذا ذکر منابع آنها هم خالی از اشکال نیست.

استاد جزئی از یک خطبه را در منبعی دیده‌اند و به آن اشاره کرده‌اند، مانند خطبه‌ی ۸۰ که بسیار مورد بحث شبهه‌کنندگان جدید است و حال آنکه نگارنده در همان جلد نخست پرتوی در مقدمه، به تفصیل درباره‌ی منبع این خطبه و خطبه‌های ۲۶، ۳۰، ۵۳، ۸۰، ۱۷۲، ۲۱۷، ۲۲۹، ۲۳۸ و نام‌های ۶۲ توضیح داده‌ام و دو منبع از ۴ منبع این خطبه‌ها را که از اهل سنت هستند و همه‌ی آنها را نقل کرده‌اند.

به هر حال کار استاد، صرف‌نظر از این ایرادهای جزئی، کاری با ارزش است و با تلاشی بیشتر و تأملی شایسته‌تر می‌توان به شبهات کسانی که حقیقتاً خواستار

رسیدن به حقیقت هستند، پاسخ داد، زیرا پاسخ متعصبان و معترضان و فرقه‌گرایان فقط با خداست که آن هم بر طبق مشیت الهی، در طول روزگار داده است. امید است کار استاد سبزیان‌پور و همه دوستان‌ان علی که دوستان حق و حقیقت هستند، ادامه یابد و تا طلوع خورشید حقیقت بر توفیقشان افزاید.

بنده خدا: سید محمد مهدی جعفری

شیراز ۱۲ فروردین ۱۳۹۳